

Permissible and prohibited terms in the division of profits and losses in commercial enterprises

Abbas Niazi^{*1}, Said Johar²

1. PhD in Private Law, Faculty of Administrative Sciences Economics, Isfahan, Iran.

2. PhD in Private Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

Abstract

Company activities are aimed at sharing the property in order to make a profit. Losses in such activities are inevitably due to the existence of a risk in commercial affairs. About the division of profit and loss, the general rule is that each partner contributes to the proportion of its share in the profit and loss of the company. But it is always a different division, the partners' opinion is placed in the business companies, and some partners may even enter the company with the condition that they have a greater proportion of profit or do not hurt them or the profit and loss will be imposed on one of the partners. It is also possible to review more profits against more work or less losses in exchange for more activity. This article will discuss the accuracy and invalidation of these terms in Iran and French law.

Keywords: share of profit and loss, correct and void conditions, superior share



Article Type:

Original Research

Pages: 67-85

Received: 2021 June 26

Revised: 2021 July 13

Accepted: 2021 November 15



©This is an open access article under the CC BY licens.

* Corresponding Author: abasniaz@ut.ac.ir

مطالعه تطبیقی وضعیت شروط راجع به نحوه تقسیم سود و زیان شرکت های تجاری در حقوق ایران و فرانسه

عباس نیازی^{۱*}، سعید جوهر^۲

۱. دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دکتری حقوق خصوصی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

شرکت های تجاری، با هدف به اشتراک گذاشتن اموال در راستای کسب سود شکل می گیرند. ضرر و زیان در این گونه فعالیت ها با توجه به وجود رکن خطر در امور تجاری، ناگزیر است. در خصوص تقسیم سود و زیان، قاعده کلی این است که هر شریک به نسبت سهم خود در سود یا زیان شرکت سهیم باشد اما گاهی برخی شرکا با این شرط وارد شرکت می شوند که سهم بیشتری از سود ببرند یا سود و زیان ثابتی داشته باشند و یا آن که اصلاً ضرری به ایشان وارد نشود. تعلق سود بیشتر یا زیان کمتر موضوعی است که برخی از حقوقدانان معتقدند از آنجایی که در برابر چیزی قرار نگرفته است تا معاوضه ای رخ داده باشد، بنابراین تعهد مزبور بدون علت می باشد و شرط مخالف مقتضای «ذات عقد» است و این شرط فاسد و مفسد عقد است. اما امکان تعیین حدود سود یا زیان و صحت یا بطلان این شروط، بر اساس قانون مدنی و قانون تجارت، در شرکت های تجاری قابل بررسی و مورد مطالعه این مقاله است، که در حقوق ایران و فرانسه، علاوه بر رعایت اصل تناسب در تقسیم سود یا زیان به نسبت آورده، امکان تعیین شروطی برای دریافت سود بیشتر یا کمتر از نسبت آورده، در ازای کار یا تجربه ی بیشتر فراهم است، اما شرط سود ثابت یا سود کامل و بدون زیان، باطل و غیر مبطل عقد شرکت است.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۶۷-۸۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: شرکت، سود، زیان، شرط صحیح، شرط باطل.

درآمد

همه شرکت های تجاری با هدف انتفاع و تقسیم سود،^۱ تشکیل می شوند. (کاویانی، ۱۳۹۳، ۱۳) مفهوم سود است که باعث تفکیک و تمایز بین شرکت های تجاری و موسسات غیر تجاری می شود. چرا که موسسات^۲ غیر تجاری اصولاً با هدف کسب سود تشکیل نمی شوند و اهدافی مانند انجام امور خیریه^۳، مذهبی، اجتماعی، بهداشتی، ورزشی و فرهنگی دارند. (عیسائی تفرشی، ۱۳۹۵، ۶۵) در تعریف سود گفته شده «مازاد درآمدها نسبت به هزینه های موجود برای توزیع بین مالکان بنگاه است». سود می تواند به صورت وجه نقد یا اموال غیر نقدی یا صرفه جویی باشد. (اعتمادی و اسمعیلی، ۱۳۹۵) در مورد زبان های وارده باید گفت که این ضررها در قالب بدهی ها، هزینه های استهلاک اموال و ... خودنمایی می کنند. قاعده کلی در حقوق مدنی و حقوق تجارت این است که در هر شرکت، شریک (یا سهامدار) به نسبت آورده ای که دارد، در سود و زیان سهیم است. این قاعده در ماده ۵۷۵ قانون مدنی و مواد ۹۴ و ۱۰۸ و ۱۱۹ قانون تجارت نیز بیان شده است.

اصول کلی شرکت های تجاری، در مقررات مدنی آمده است و در واقع، شرکت های تجاری، بنای عقد بودن خود را از قواعد شرکت مدنی وام می گیرند و تغییر در قاعده سود نسبی، یکی از امتیازاتی است که قانون تجارت به بعضی از شرکا یا سهامدارن می دهد تا انگیزه ای باشد برای سرمایه گذاری برخی اشخاص در این نوع از شرکت ها. شروط مربوط به دریافت سود بیشتر یا زیان کمتر از آورده، قابل طرح در شرکت نامه یا اساسنامه شرکت های تجاری است.^۴ لیکن حدود صحیح این شروط باید مطالعه شود و پیش از آن، نکاتی در خصوص اصل تساوی در تقسیم سود و زیان در حقوق مدنی و تجارت و اصل ثبات سرمایه باید بررسی شود تا مقتضای ذات عقد شرکت، مطالعه گردد تا سپس نوبت به بررسی تقضیلی هر یک از شروط پیش گفته برسد.

1. Bénéfice
2. Association
3. Charitable

۴. برای نمونه بنگرید به ماده ۱۱۹ قانون تجارت و ماده ۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت.

۱. بررسی اصل تساوی تقسیم سود و زیان در حقوق مدنی و حقوق تجارت

۱-۱. حقوق مدنی

ماده ۵۷۵ قانون مدنی در بخش هشتم بیان می‌کند: «هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد؛ مگر این که برای یک یا چند نفر از آن‌ها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد.» این ماده در بیان یک اصل کلی و یک استثنای مهم است. اصل کلی، شرکت شرکا در نفع و ضرر به نسبت سهم ایشان است که با قاعده تساوی در حقوق مدنی به نسبت سهم سازگار است.^۱ اساس تشکیل شرکت که از «اجتماع حقوق مالکان متعدد در شی واحد به نحو اشاعه»^۲ به وجود آمده است، مقتضی برابری شرکا در شرکت است و تقسیم سود و زیان به نسبت سهم، از نتایج این قاعده عمومی است. در ادامه این ماده، تعلق سهم زیادتر را مشروط به انجام «عملی» از سوی شریک کرده است و در واقع به معوض بودن تعلق سهم بیشتر در قبال انجام عملی در راستای منافع شرکت اشاره دارد.

برخی حقوقدانان معتقدند که قاعده مذکور در ماده ۵۷۵ قانون مدنی، امره محسوب نمی‌شود و شرط خلاف آن قابل پذیرش است. ایشان در تایید نظر خود به ماده ۵۴۸ قانون مدنی در عقد مضاربه^۳ استناد می‌کنند که توافق طرفین در تعیین سهم هر یک از آن‌ها در سود را محترم شمرده و تنها ماده ۵۵۷ قانون مدنی، اختصاص تمامی سود به مالک سرمایه را موجب بطلان مضاربه دانسته است. (کاشانی، ۱۳۹۴، ۱۰۲-۱۰۳) همچنین استاد فقید دیگری معتقد است در تعارض مفهوم مخالف ماده ۵۷۵ قانون مدنی با اصل آزادی قراردادهای، باید از این ظهور چشم پوشید و چنین تعبیر کرد که قانونگذار قصد داشته، تا شایع‌ترین فرضی را که به موجب شرط، برای شریکی سهم زیادتر منظور شود، یادآوری کند و تقسیم سود به تناسب سهام، مقتضای اطلاق عقد است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۱۹)

۱. اصل تساوی را می‌توان از مواد ۱۵۰ و ۱۵۳ قانون مدنی استخراج کرد؛ چراکه نهر و چاه، هیچگونه خصوصیت ویژه‌ای ندارند و در هر جا تعهدات مشترکی وجود داشته باشد، امکان مراجعه به تساوی وجود دارد. (سکوتی نسیمی،

۲۷، ۱۳۹۵)

۲. ماده ۵۷۱ قانون مدنی

۳. عقد مضاربه از انواع شرکت به معنای عام است.

مسئله قابل بررسی این است که آیا می‌توان به بهانه اصل آزادی قرارداده‌ها و اقتضای اطلاق عقد، هر شرط نابرابری را در تقسیم سود و زیان در شرکت‌های تجاری صحیح بدانیم. در واقع، دامنه این آزادی در تعیین سود و زیان برخلاف میزان آورده قابل بررسی است و این سوال مهم مطرح می‌شود که آیا برخی شرکا در حقوق تجارت می‌توانند به بهانه آزادی در تعیین سود و زیان، هر شرطی، حتی نامشروع یا غیرمعقول را به سایر شرکا تحمیل نمایند؟

۲-۱. حقوق تجارت

چنانچه در قواعد حقوق تجارت، مقرره خاصی در خصوص پرداخت سود و زیان مشاهده نکنیم، باید به اصل آزادی در تقسیم سود و زیان در حقوق مدنی بازگردیم؛ چرا که همانطور که گفته شد شرکت‌های تجاری، مبانی خود را از شرکت مدنی اخذ می‌کنند. در همین رابطه، ماده ۱۰۸ قانون تجارت ۱۳۱۱ در بخش شرکت با مسئولیت محدود اشعار می‌دارد: «روابط بین شرکا تابع اساسنامه است، اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر، مقررات خاصی نباشد، تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.» این ماده را می‌توان با ماده ۵۷۵ قانون مدنی یکسان دانست که در ماده اخیرالذکر، تقسیم سود و زیان شرکت را تابع نسبت سهم شرکا، در شرکت بیان می‌دارد، مگر آن که در اساسنامه در تقسیم سود به نحو دیگری تعیین شود.

این قاعده نه تنها در رابطه با شرکت مزبور، بلکه نسبت به منافع به دست آمده از فعالیت همه شرکت‌های تجاری اعمال می‌گردد. ماده ۱۰۸ قانون تجارت، ضمن بیان حکم یاد شده، بر غیر آمره بودن آن در شرکت با مسئولیت محدود حکایت دارد. (پاسبان، ۱۳۸۹، ۳۹۴) گفته شده این گونه توافقات خارج از اساسنامه و به موجب قرارداد خصوصی قابل پذیرش نیست. (همان، ۳۵۰) در نتیجه، در حقوق تجارت، آنچه مهم است امکان توافق برخلاف صدر ماده ۵۷۵ قانون مدنی است و در این راستا ماده ۱۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ معین می‌کند که «در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.» و در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ امکان تعیین

سهام ممتاز در ماده ۲۴ دیده است^۱ که به عقیده علمای حقوق تجارت، این امتیاز می‌تواند نابرابری در تخصیص سود باشد. (اسکینی، ۱۳۸۹، ۷۵؛ پاسبان، ۱۳۸۹، ۳۰۲)

بنابراین بی‌شک در حقوق تجارت امکان توافق برخلاف اصل تقسیم سود و زیان به نسبت آورده پیش بینی شده و مورد حمایت قانونگذار است. اما حدود این توافقات به چه میزان است. آیا می‌توان برای یکی از شرکا در شرکت تجاری، سود و یا زیان ثابتی در نظر گرفت، یا برخی از شرکا در سود شرکت سهیم نباشند یا هیچ زبانی نبینند. تعیین نمودن سود یا زیان ثابت، باعث می‌شود به «اصل ثبات سرمایه» لطمه وارد گردد، این موضوع در بند بعدی توضیح داده می‌شود.

۲. اصل ثبات سرمایه و تاثیر آن بر شروط

از عناصر بنیادین تشکیل شرکت های تجاری، ارائه سرمایه یا آورده است. از جمع آورده هاست که سرمایه شرکت شکل می‌گیرد و بالطبع شخصی که آورده ندارد، شریک نیست و اساساً شرکت بدون آورده معنا ندارد. سرمایه شرکت ها، وثیقه دیون آنهاست و در حالت عجز شرکت از پرداخت دیون، سرمایه شرکت، منبع اصلی پرداخت به طلبکاران است. (اسکینی، ج ۱، ۱۳۸۹، ۲۰) در این حالت، سرمایه باید کلیتی مصون و غیرقابل دستیابی برای شرکا داشته باشد. به این معنا که شرکا در هیچ حالتی امکان و مجوز دسترسی به سرمایه شرکت، به منظور پرداخت دیون خود و یا استفاده به نفع خود را نداشته باشند. اگر غیر از این باشد، حقوق اشخاص ثالث، خصوصاً در شرکت های سرمایه که طلبکاران، تضمینی جز سرمایه شرکت را ندارند، رعایت نخواهد شد. به این اصل، «اصل ثبات سرمایه»^۲ می‌گویند. (جوهر، ۱۳۹۹، ۴۵)

همواره حمایت از اشخاص ثالث متعامل با شرکت، مدنظر قواعد و قوانین تجاری است. لذا در تعریف اصل ثبات سرمایه می‌توان گفت: «غیر قابل برداشت بودن اموال شرکت دست کم به میزان سرمایه اسمی شرکت.» به عبارت دیگر ارزش اموال بنگاه، باید لااقل به میزان سرمایه رسمی شرکت باشد. (صقری، ۱۳۹۰، ۵۰) حال اگر شرطی

۱. ماده ۲۴ ... تبصره ۲- در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.

برای پرداخت سود به میزان مشخصی به نفع یکی از شرکا در نظر گرفته شود، با این اصل در تضاد است، چراکه ممکن است شرکت در مدت متمادی سود قابل تقسیمی نداشته باشد و برداشت از سرمایه اسمی شرکت نیز تا انحلال و تصویب شرکت ممنوع است.^۱ شناخت مقتضای ذات عقد شرکت به درک بهتر این ممنوعیت کمک خواهد نمود.

۳. مقتضای ذات عقد شرکت و تاثیر آن در شروط

مقتضای ذات عقد، که موضوع اصلی عقد است و عقد به منظور ایجاد آن، تشکیل می شود و به خواست طرفین یا احکام مرتب بر آن، لازمه ماهیت عقد است. بر این مبنا، شرطی با مقتضای عقد مخالف است که آن موضوع اساسی یا اثر اصلی عقد معهود را نفی کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۱۶۳) چنانچه شرطی خلاف مقتضای ذات عقد از سوی متعاهدین شده باشد، به استناد ماده ۲۳۳ قانون مدنی شرط باطل و مبطل عقد است. اما مقتضای ذات هر عقد با عقد دیگر متفاوت است. در نقطه مقابل، مقتضای اطلاق عقد است. این اقتضا، در حالتی است که عقد به طور مطلق انشا شود و طرفین راجع به شروط و توابع آن تصمیم گیری نکنند. در این شرایط قانون به عنوان منبع تکمیلی عقد را کامل می کند و آنچه را که از دید طرفین غافل مانده است، جبران می سازد.

سوال اصلی در این بخش این است که مقتضای ذات عقد شرکت چیست و کدام شروط، مقتضای اطلاق عقد مذکور است؟ شرط تعلق سود و زیان کمتر یا زیادتر، برخلاف مقتضای ذات عقد شرکت است یا خلاف مقتضای اطلاق آن؟ با این توضیح که هر عقد ممکن است چند اقتضای ذات داشته باشد. مقتضای ذات هر عقد را می توان، در تعریف آن عقد جستجو کرد. چنانچه اقتضای ذات عقد بیع با توجه به تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی، تملیک عین در برابر عوض معلوم می دانند و شرط خلاف تملیک، مخالف با این اقتضاست. (صفایی، ۱۹، ۱۳۹۲) ماده ۵۷۱ قانون مدنی نیز در تعریف عقد شرکت به اشاعه اموال شرکا اشاره دارد. اشاعه در شرکت مدنی بدین معناست که، شرکا از مالکیت های جزء خود برای رسیدن به هدف مشترک، که همانا تشکیل شرکت است،

۱. ماده ۲۲۴، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدوا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

بگذرند. لذا می توان گفت اشاعه، مقتضای ذات عقد شرکت است. اثر اصلی قرارداد شرکت، پیوند میان آورده ها از طریق تبدیل مالکیت مفروز هر یک از شرکا به مالکیت مشاع است. (کاویانی، ۱۳۹۳، ۱۲) هر چند برخی اساتید معتقدند که اذن در تصرف مقتضای ذات عقد شرکت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۱۹) از نظر فقها، مقتضای ذات عقد شرکت، بر ارفاق به هر یک از شرکاست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۳۱۲/۴ به بعد؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق، ۵/ ۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق، ۶۲۳/۲ به بعد؛ خمینی، ۱۴۲۲ ق، ۸۹۷ به بعد؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ ق، ۵۸۴/۲)

بنا بر این تفاوت در شناخت ذات عقد شرکت، برخی از حقوقدانان اعلام نموده اند که شرط سود یا زیان بیش از نسبت آورده، در مقابل چیزی قرار نگرفته است تا معاوضه ای رخ داده باشد و شرکا هم قصد هبه یا اباحه ای برای مشروع له نکرده اند و بنابراین تعهد مزبور بدون علت می باشد. از سویی شرط پیش گفته مخالف مقتضای «ذات عقد» است، زیرا عقد شرکت اقتضاء دارد که نمائات به نسبت مال الشرکه تسهیم شود، چراکه نمائات تابع اصل ملک است و این شرط فاسد و مفسد عقد است. (امامی، ۱۳۸۸ ش، ۲/ ۲۰۹؛ طاهری، ۱۴۱۸ ق، ۴/ ۳۱۵؛ عدل، ۱۳۷۸ ش، ۶۳۵)

اما برخی دیگر از حقوقدانان به تبع از مشهور فقها در مقام پاسخ برآمده و بیان داشته اند، همانطور که در ذیل ماده ۵۷۵ قانون مدنی نیز آمده است، اصل آزادی اراده مقدم است و صدر ماده بیانگر مقتضای «اطلاق عقد» شرکت است و نه ذات عقد، یعنی قانونگذار قصد داشته، شایعترین فرض را بیان کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ش، ۲/ ۴۵-۴۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۲۸۷؛ بروجردی عبده، ۱۳۲۹ ش، ۳۳۶؛ طاهری، ۱۴۱۸ ق، ۴/ ۳۱۵) و این شرط را در حقوق مدنی صحیح دانسته اند.

پیش از بررسی پاسخ این سوال که آیا در حقوق تجارت ایران می توان شرط سود یا زیان ثابت یا نابرابر با سایر، شرکا نمود، مطالعه تطبیقی این موضوع در حقوق فرانسه که مآخذ قانون تجارت ایران بوده است، خالی از فایده نیست.

۴. حقوق فرانسه

برابر پارگراف اول ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه، عقد شرکت، عقدی است که به موجب آن اشخاص برای مشارکت در سود و منافع و همچنین صرفه جویی در

فعالیت هایشان، اموالی را به اشتراک می‌گذارند. پارگراف سوم این ماده تصریح می‌نماید شرکا در زیان ناشی از فعالیت شرکتی سهیم هستند. در ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی این کشور، قاعده اصلی در خصوص تقسیم سود و زیان بیان شده است. در صدر ماده یاد شده می‌خوانیم: «سهام هر شریک در سود و مشارکت وی در زیان، به تناسب آورده او در سرمایه شرکت تعیین می‌شود و ...^۱» در نتیجه قاعده کلی تقسیم سود و زیان به تناسب سرمایه در این ماده هم پیش بینی شده است لکن مزیت قانون مدنی فرانسه در این بخش، پیش بینی سایر شروط است. در ادامه این ماده بیان شده است: «شروط تعلق تمامی سود حاصله به وسیله شرکت به یکی از شرکا یا معافیت یکی از شرکا از تمامی زیان و یا استثنای یک شریک از دریافت سود و یا تحمیل تمامی زیان به یک شریک، کان لم یکن تلقی می‌شود.^۲» این قاعده در خصوص شرکت های تجاری نیز قابل اجراست و در حقوق این کشور، قاعده اصلی تقسیم سود و زیان در ماده یاد شده، بیان گردیده است و به مانند حقوق ایران، در قانون تجارت، مقررته متعارضی در خصوص تقسیم سود و زیان وجود ندارد تا سبب دوگانگی شود. این شروط در حقوق فرانسه به «شرط شیری^۳» یا «شرط سهم شیر از شکار^۴» معروف است که براساس این شرط، همانطور که شیر در زمان شکار، سهم بیشتری از آن چه شکار شده است را به نفع خود بر می‌دارد، شریک قوی تر هم سهم بیشتری از سود را دریافت می‌نماید. (Lucas, 2000, 168) این شرط و شروط مشابه با آن به استناد مواد ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی و ۲۳۵ قانون تجارت^۵ فرانسه صراحتاً باطل اعلام شده است.^۶ در ماده ۱-۲۳۵ یاده شده آمده است «بطلان شرکت نمی‌تواند ناشی از شروط ممنوع در ماده ۱-۱۸۴۴

1. Article 1844-1: La part de chaque associé dans les bénéfices et sa contribution aux pertes se déterminent à proportion de sa part dans le capital social...

2. La stipulation attribuant à un associé la totalité du profit procuré par la société ou l'exonérant de la totalité des pertes, celle excluant un associé totalement du profit ou mettant à sa charge la totalité des pertes sont réputées non écrites.

3. Clause léonine

4. Part du lion

5. Article L235-1 code de commerce: La nullité de la société ne peut non plus résulter des clauses prohibées par l'article 1844-1 du code civil.

6. Com. 27 sept. 2005, n° 02-14009.

قانون مدنی باشد.» این ماده بدین معناست که به بهانه وجود شرط شیری، شرکت تجاری باطل نیست.

این شروط براساس پارگراف ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی عبارتند از: ۱- شرط استثنای شریک از دریافت تمامی سود. ۲- شرط تحمیل تمامی زیان به یک شریک. ۳- شرط اختصاص تمامی سود به یک شریک. ۴- شرط عدم تحمیل زیان به یک شریک. در حقوق فرانسه قاعده تقسیم سود و زیان به نسبت آورده، از قواعد امری است و توافق برخلاف آن، باطل است و با بطلان این شروط، به اصل تقسیم سود و زیان براساس آورده باز می گردیم لکن بطلان این شروط به بطلان عقد شرکت نمی انجامد و عقد شرکت صحیح خواهد بود. (Treille, 1997, 721) در خصوص بطلان این شروط تفاوتی ندارد که این شروط به موجب اساسنامه باشد و یا به موجب قراردادی جداگانه پیش بینی شود، این شروط در هر حال باطل است. (Pollaud-Dulian, 1999, 765) اما در حقوق این کشور، شرط زیان کمتر در مقابل کار بیشتر یا سود بیشتر در ازای کار بیشتر پذیرفته شده است.

دیوان عالی کشور فرانسه به صحت شرطی که براساس آن انتقال دهنده سهام یک شرکت از پرداخت تمامی ضررها معاف خواهد بود، اتخاذ تصمیم کرده بود. ظاهراً از نظر دیوان عالی کشور فرانسه، چنین شرطی برخلاف ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه نبود. (Com. 10 févr. 1981). اما در سال ۱۹۸۶ شعبه تجاری دیوان، در رای معروف به رای بواته^۱، به طور قابل ملاحظه ای این موضع خود را در مورد این شروط و توافقات فراقانونی متعادل کرده است. در این رای که در خصوص انتقال سهام یک شرکت با شرط عدم مسئولیت انتقال گیرنده در ضررهای شرکت صادر شده، آمده است: «آنچه از ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی بر می آید، ممنوعیت قانونی شرط خلاف تقسیم سود و زیان به نسبت سهام بوده که مخالف با مقتضای ذات قرارداد شرکت است و قهراً صرف انتقال سهام به بهای کمتر با شرط سلب مسئولیت انتقال گیرنده در ضررهای شرکتی، تعرضی به مقرر اخیر ندارد.» (Com. 20 mai 1986). در واقع، دیوان عالی، انتقال گیرنده را از پرداخت ضررهای انباشه قبل از حضور وی در شرکت، معاف کرد.

1. Arrêt Bowater

در رای ژایه^۱ نیز شرطی که به نحوه ی توزیع سود و ضرر بین شرکا لطمه وارد نمی کند را ممنوع اعلام نمی نماید مگر در جایی که فریبکاری صورت گرفته باشد و برای مثال سود موهومی قابل تقسیم اعلام شده باشد. (Com. 10 janv. 1989) اخیراً، شعبه ی تجاری دیوان عالی این کشور صحت تعهد یک طرفه فروشنده در خصوص خرید سهام یک شرکت به حداقل قیمت، برای جبران ضررهایی که مبلغ بازاری سهام داشته، تایید نموده است. البته به شرطی که تعادل تعهدات طرفین لحاظ شود. در واقع، این شرط، در حیطه شروط باطل تفسیر نشد؛ چرا که ما به ازای آن، خطر سرمایه گذاری خریدار سهام قرار گرفته بود. (Com. 16 nov. 2004) در هر حال، در حقوق فرانسه، تکلیف شروط و عقد شرکت در حالات مختلف مشخص شده است و تمامی تفسیرها، حول محور ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی این کشور انجام می شود. در ادامه به بررسی شروط تقسیم سود و زیان در حقوق تجارت ایران بیان خواهد شد.

۵. بررسی شروط در حقوق ایران

با در نظر گرفتن اینکه اولاً در خصوص این شروط در حقوق تجارت و شرکت های تجاری بحث می کنیم و آزادی شرکا در تقسیم سود و زیان در حقوق مدنی و در مواد ۱۰۸ و ۱۱۹ قانون تجارت دیدیم درصدد بیان حدود این آزادی هیتسم و ثانیاً در مورد این شروط، سه حالت را در خصوص سود و زیان بررسی می کنیم: ۱- شرط تعلق سود و یا زیان ثابت، ۲- شرط عدم دریافت سود و یا تحمیل تمامی زیان به یکی از شرکا و ۳- شرط سود بیشتر در مقابل کار بیشتر یا زیان کمتر در مقابل کار بیشتر.

۵-۱. شرط سود ثابت یا تعلق تمامی سود به شریک یا شرکایی خاص

فعالیت تجاری همواره با سود و زیان همراه است و اساساً ممکن است شرکت به حالت زیانده درآید. در این شرایط اگر سودی ثابت برای یکی از اعضا پیش بینی شود، ممکن است برای تامین سود ثابتی که برای چنین عضوی در نظر گرفته شده، ناچار به رجوع به سرمایه شرکت باشیم. امری که در تعارض با اصل «ثبات سرمایه» است. لکن چنین شرطی خلاف مقتضای ذات عقد شرکت نبوده اما با یکی از اوصاف بنیادین عقد

1. Arrêt Jallet

شرکت که ثبات سرمایه است، در تضاد است. در نتیجه، این شرط از شروط غیرقانونی است و باعث می شود شرط مزبور باطل و از درجه اعتبار ساقط باشد اما بطلان این شرط براساس ماده ۲۳۲ قانون مدنی، به ساختمان عقد اصلی شرکت لطمه نمی زند. (صقری، ۱۳۹۰، ۶۱) این تصمیم و تحلیل با ویژگی دوام عقد شرکت و منافع بنگاه تجاری و طلبکاران شرکت همسو است و باید در این جهت تقویت شود. چرا که براساس نظریه تاسیسی^۱، شرکت های تجاری، به واسطه یک عقد تشکیل می شوند اما به محض تشکیل از عقدی که بر مبنای آن تشکیل شده، جدا می شود و موجودیت حقوقی مستقل از اعضای خود با قواعد و ویژگی های خاص پیدا می کند. اگر بطلان این شروط باعث بطلان عقد شرکت شود، به لحاظ اقتصادی، منافع جمع کثیری از سرمایه گذاران و کارگران شرکت را تحت شعاع قرار می دهد. در تایید این تفسیر باید گفت ممکن است هیچگاه شرکت سودی نبرد و اساساً فعالیت شرکت، زیان ده باشد. در این شرایط تقسیم سود و دریافت سود ثابت یا تعلق تمامی سود به یک شریک با مانع دیگری روبروست و آن ممنوعیت تقسیم منافع موهوم^۲ بین صاحبان سهام است. در حقیقت، تقسیم سود در فرضی که شرکت سودده نبوده، تقسیم منافع موهوم است که برابر بند یک ماده ۲۸۵ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ در بخش شرکت های سهامی، جرم انگاری شده و رئیس، اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه، به استناد صورت مالی و ترازنامه مزور، منافع موهومی بین صاحبان سهام تقسیم کرده اند، به حبس تادیبی یک تا سه سال محکوم خواهند شد. در نتیجه و در راستای حفظ حقوق اشخاص ثالث و حمایت از معامله کنندگان با حسن نیت و اصل اصالت ظاهر (صقری، ۱۳۹۰، ۸۹)، تفسیر خلاف این موضع، با حقوق اشخاص ثالث در تعارض است.

برخی اساتید معتقدند که طرفین عقد شرکت می توانند خلاف ترتیب مذکور را (تقسیم سود به تناسب آورده) در قرارداد خود پیش بینی کنند و چنین شریکی ممتاز تلقی می شود و در مقابل این امتیاز، مکلف به انجام دادن هیچ عملی نیست. ایشان در همین ارتباط به ماده ۱۰۸ قانون تجارت ۱۳۱۱ استناد می کنند و شرط مغایر با این

1. La conception institutionnell
2. Dividendes fictifs

ماده و ماده ۵۷۵ قانون مدنی را پذیرفته و معتقدند که سهم ممتاز مذکور در ماده ۴۲ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷، در این راستاست و نتیجه می‌گیرند چنین شرطی نه باطل است و نه عقد شرکت را باطل می‌کند. همچنین به مواد ۲۳ و ۲۵ قانون بخش تعاون نیز اشاره می‌کنند که آزادی اعضا را در تعیین نحوه تقسیم سود و زیان به رسمیت شناخته است. (اسکینی، ۱۳۸۹، ۳۸ و ۳۹) در تعریف سهم ممتاز می‌توان گفت که این سهم در مقابل سهام عادی قرار گرفته و مزایای ویژه‌ای متفاوت از سایر سهام برای آن تعریف شده است. از جمله مزایای سهام ممتاز می‌توان به تعیین سود بالاتر برای سهم ممتاز، اولویت دریافت سود سهام و ... است. (پاسبان، ۱۳۸۹، ۲۸۵ و ۲۸۶) همچنین گفته شده است که ضرورت ندارد که اعطای امتیازات در این گونه سهام موجه باشد. (اسکینی، ۱۳۸۹، ۷۷ / پاسبان، ۱۳۸۹، ۲۸۷) اما به نظر می‌رسد که باید سهام ممتاز را در فرضی تحلیل کنیم که شرکت سود ده بوده و در حالتی که شرکت اساساً سودی نبرده است، وجود یا عدم وجود سهام ممتاز، تاثیری در تقسیم سود ندارد و به عبارت دیگر، سودی وجود ندارد تا به طور ممتاز به برخی شرکا تعلق گیرد.

۲-۵. شرط عدم تعلق سود

در نگاه اول، این شرط از جمله شروط صحیح تلقی می‌شود؛ چراکه دیدگاه عمومی بر این استوار است که توافقات طرفین مورد حمایت باید قرار گیرد و شریکی که با این شرط وارد شرکت شده است، از بردن سود محروم است. اما به چنین ظاهری نباید اعتماد کرد. هدف از اشاعه در مالکیت، گذشتن از مالکیت‌های خرد و رسیدن به یگانگی و اتحاد باطل و بیهوده نیست و اصولاً شخص اموال خود را بدون هدف کسب سود به اشتراک نمی‌گذارد. با لحاظ اینکه عقد شرکت نیز از جمله عقود مغایه‌ای^۱ است و کسب سود و سوداگری نقش مهمی در این عقد دارد. بنابراین هرچند این شرط خلاف مقتضای ذات عقد نیست ولی شرطی غیر معقولی است و محکوم به بطلان خواهد بود. البته شاید بتوان بطلان این شرط را به غیرقانونی بودن آن ارتباط داد

۱. عقودى که هر یک از طرفین سعی می‌کند در معامله سود ببرد و در مقابل این عقود، عقد مسامحه‌ای قرار می‌گیرد که در آن، پیمان‌گزاران، مادی نمی‌اندیشند و هدف‌های اخلاقی آنان بر سود جویی‌های متعارف غلبه دارد. (کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، ۱۳۹۳، ۱۲۸)

و چنین تحلیل کنیم که با اصل ماده ۵۷۵ قانون مدنی و شرط تعلق سود در مقابل آورده، در تضاد است و باطل خواهد بود اما به صحت عقد لطمه ای وارد نساخته و با بطلان چنین شرطی در این حالت به اصل و اساس ماده ۵۷۵ قانون مدنی بازمی گردیم و براساس اصل، هر شریک را به نسبت آورده خود مستحق دریافت سود بدانیم. اساتید حقوق تجارت بر بطلان چنین شرطی نظر داده اند. به عقیده یکی از اساتید: «نمی توان به طور مطلق یکی از شرکا را از بردن سود محروم کرد و حذف چنین شریکی به معنای آن است که قرارداد شرکتی با آنان در بین نیست و چنین شخصی شریک نیست.» (اسکینی، ۱۳۸۹، ۳۷) استاد دیگری ضمن اعلام باطل و غیر مبطل بودن چنین شرطی، معتقدند که قانونگذار غنی یا فقیر شدن ناعادلانه و بلاجهت را پذیرا نیست. (صقری، پیشین، ۶۱) و در واقع، چنین شرطی که باعث فقیر شدن شریکی به نفع سایر شرکاست، باطل خواهد بود. عقد شرکت برای کسب سود و منفعت است و اشخاص به جای تبدیل مالکیت مفروز به مشاع، مالک سود حاصل از عملیات شرکت می شوند. (کاویانی، ۱۳۹۳، ۱۲)

۵-۳. شرط سود بیشتر در مقابل انجام کار

اصولاً کار هر شخص محترم است و در مقابل هر کاری باید اجرتی تعلق گیرد. تبرع در انجام کار امری خلاف اصل بوده و محتاج به اثبات است. از طرف دیگر در شرکت های تجاری هنگامی که کاری زیادتز از سایر شرکا به شریکی محول می کنیم، می توان شرط کرد که این شریک سهم بیشتری از سود را داشته باشد. پس شرط تعلق سود بیشتر از آورده، نه تنها خلاف اصل نیست، بلکه در راستای حمایت از کار بیشتر است. این شرط از جمله شروط صحیح است که در اساسنامه شرکت های تجاری نیز آورده می شود. این شرط باعث توسعه و رونق فعالیت های شرکت می شود و انگیزه و محرکی برای شرکا جهت فعالیت بیشتر خواهد بود. در واقع، سود بیشتر در برابر کار بیشتر و بهتر همواره صحیح است و مورد حمایت قرار می گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ۳۱۹) در نتیجه، شرط مطالبه سود به نسبتی بیش از آورده، باید ما به ازای مشروع و معینی داشته باشد. به علاوه مدت برخورداری از این امتیاز باید معین باشد (کاویانی، ۱۳۹۳، ۲۳۹) و می توان گفت اگر مدت استفاده از این امتیاز مشخص نشده باشد، به مدت عمر شرکت است. در حقیقت، هیچ یک از اساتید حقوق به بطلان چنین شرطی

نظر نداده اند. انتهای ماده ۵۷۵ قانون مدنی نیز این شرط را پیش بینی کرده و آن را صحیح دانسته است.

۴-۵. شرط زیان ثابت

سوال اساسی در این بخش این است که آیا می توان شرط کرد که همه زیان به یکی از شرکا تحمیل شود و یا شریکی زیان ثابتی را تحمل کند؟ در ماده ۵۷۵ قانون مدنی تقسیم زیان را به نسبت آورده قبول کرده لکن در مورد صحت و بطلان شرط خلاف این اصل، حاوی قاعده ای نیست و قاعده اصلی در عقد شرکت، همان تقسیم سود و زیان به تناسب آورده هاست. باید متذکر شد که زیان همان بدهی هایی است که در نتیجه فعالیت شرکتی ایجاد می شود. در خصوص شرکت ها، قاعده اصلی این است که اگر زیانی وارد شود، اموال شرکت تضمین پرداخت آن است و چنانچه اموال شرکت کفاف پرداخت دیون شرکت را نکند، در شرکت های شخص، امکان مراجعه طلبکاران به اموال شخصی شرکا وجود دارد لکن در شرکت های سرمایه ای، این امکان پیش بینی نشده و طلبکاران، تضمینی جز اموال شرکت ندارند. با همه این تفاسیر، همه شرکت ها در یک نقطه مشترکند و آن عدم امکان تحمیل تمام زیان به یکی از شرکا و تحمل زیاد ثابت است. سکوت قانونگذار مدنی و تجاری در این زمینه را نباید تایید ضمنی چنین شرطی دانست بلکه باید گفت شرط مذکور نوعی شرط غیر مشروع است که به ساختمان عقد لطمه ای نمی زند. از مواد مختلف قانون تجارت خصوصاً مواد ۱۱۶ و ۱۲۴ قانون تجارت ۱۳۱۱ می توان استفاده کرد که در حالت ورود ضرر به شرکت، ابتدا باید به شخصیت حقوقی آن مراجعه کرد و اگر در شرکت های شخص، اموال شرکت برای پرداخت دیون آن کافی نباشد، به اموال شرکا مراجعه می کنیم و این مراجعه به تناسب آورده شرکاست و در حالتی که شرکت سرمایه ای است، امکان رجوع به اموال شرکا وجود ندارد. هرچند در شرکت های شخص که شرکت تضامنی نمونه بارز آن است، می توان به شرکا برای پرداخت دیون شرکت تحت قواعدی مراجعه کرد، لکن این به منزله تحمیل تمامی زیان به یک شریک نیست؛ چرا که براساس ماده ۱۲۴ قانون تجارت ۱۳۱۱، شریکی که تمام یا بخشی از دیون شرکت را پرداخته است، می تواند به سایر شرکا به نسبت آورده ایشان مراجعه کند. اساتید حقوق تجارت به بطلان چنین شرطی نظر داده اند و یکی از ایشان

بیان می‌کند که چنین شرطی به معنای این است که شراکتی با آنان در میان نیست. (اسکینی، پیشین، ۳۷) در واقع، شرکت در زیان از ویژگی‌های عقد شرکت است. ممکن است زیان در مورد یکی از شرکا به گونه‌ای محدود شود، ولی در هر حال، باید نوعی مشارکت در زیان برای همه شریکان در نظر گرفته شود. (کاشانی، ۱۳۹۴، ۷۶)

۵-۵. شرط عدم تعلق زیان

نقشی که یک شریک ممکن است در پیشبرد اهداف و سودرسانی به شرکت ایفا کند و یا تجربه شریکی در زمینه‌ای خاص، انگیزه مناسبی برای جذب چنین فردی در شرکت و عدم تحمیل زیان به او است. این شرط تعارضی با اصل ثبات سرمایه ندارد، اگر در شرکت‌های اشخاص یا مختلط، مقرر شود زیان با آورده‌ای غیر از سرمایه شرکت، از سوی سایر شرکا جبران گردد، لیکن در شرکت‌های سرمایه به نظر می‌رسد، امکان شرط اخیر وجود نداشته باشد، و حتی در شرکت‌های اشخاص نیز کمتر دیده می‌شود، که شرط عدم تعلق زیان منوط به دفع خطر از ثبات سرمایه - یعنی جبران آن توسط سایر شرکا - شده باشد و همین دلیل برخی اساتید معتقدند که معافیت یکی از شرکا از تمامی زیان، با روح و مفهوم مشارکت ناسازگار است. (کاشانی، ۱۳۹۴، ۱۰۶) پیشتر در مطالعه تطبیقی دیدیم، چنین شرطی براساس ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه باطل اعلام شده است. در حقیقت، عدم تعلق زیان به یک شریک، با روح شراکت و همسویی بین شرکا برای یک هدف مشترک در تعارض است و به عقیده اندیشمندان با ذات عقد شرکت مبیانت دارد و صحیح نیست. (اسکینی، ج ۱، ۱۳۹/۱، ۱۳۸۹)

۵-۶. شرط زیان کمتر در مقابل انجام کار

همانگونه در مبحث مربوط به شرط سود کم و زیان در مقابل عمل گفتیم، این شرط مغایرتی با ماده ۵۷۵ قانون مدنی ندارد و در راستای همان ماده، صحیح و معتبر به نظر می‌رسد. این شرط ناظر بر کار بیشتر است و در جهت حمایت از تولید و پیش برد اهداف شرکت مورد نظر شراکت‌ها قرار می‌گیرد.

برآمد

قاعده کلی در تقسیم سود و زیان در شرکت های تجاری که در حقوق کشور فرانسه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است، تقسیم به تناسب آورده هاست. اما گاهی یک تقسیم نابرابر و برخلاف این اصل کلی مطمح نظر برخی شرکاست. در خصوص صحت و بطلان این شروط باید گفت همه حقوقدانان صحت شرط نابرابر را در صورتی که در مقابل آن توسط شریک، کاری انجام شود و در مقابل انجام فعالیت باشد، می پذیرند. لذا شرط تعلق سود بیشتر در مقابل کار بیشتر و زیان کمتر در مقابل فعالیت بیشتر و بهتر قابل پذیرش است. اما در خصوص صحت و بطلان شرط سود ثابت یا تعلق تمام سود، حقوقدانان نظرات متفاوتی ارائه داده اند و برخی آن را باطل دانسته و برخی دیگر براساس مواد ۱۰۸ و ۱۱۹ قانون تجارت حکم به صحت چنین شرطی داده اند. لیکن در نقطه مقابل اکثر حقوقدانان به بطلان شرط تعلق تمامی زیان یا زیان ثابت نظر دارند. همه صاحب نظران در یک نقطه مشترکند و آن اینکه بطلان این شروط را باعث بطلان عقد شرکت ندانسته اند و براساس اهداف سازمانی شرکت های تجاری و منافع بنگاه تجاری، عقد را صحیح دانسته اند و اگر شرطی را باطل می دانند، به اصل تقسیم سود و زیان براساس آورده بازگشته اند. پیشنهاد می شود که قانونگذار در قانون مدنی یا تجارت به مانند ماده ۱-۱۸۴۴ قانون مدنی فرانسه، تکلیف شروط مغایر را معین کند؛ چرا که در این ماده شروطی که در مقابل آن کاری انجام نمی شود، باطل دانسته است.

منابع

الف) فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: حقوق شرکت های تجاری*، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۹
۲. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: حقوق شرکت های تجاری*، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۹
۳. اعتمادی حسین، اسمعیلی کیجانی، محمد، *مروری جامع بر تئوری های سیاست تقسیم سود*، نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۵
۴. امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۸
۵. بروجردی عبده، محمد، *حقوق مدنی*، تهران، بینا، ۱۳۲۹
۶. پاسبان، محمد رضا، *حقوق شرکت های تجاری*، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۸۹
۷. جوهر سعید، *حقوق تجارت (۲) حقوق شرکت های تجاری (قواعد عمومی و اختصاصی؛ مطالعه تطبیقی)*، نشر جنگل، ۱۳۹۹
۸. خمینی، سید روح الله، *العروة الوثقی مع تعالیک الإمام الخمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲
۹. سکوتی نسیمی، رضا، *مباحثی تحلیلی از حقوق اسناد تجاری*، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۹۵
۱۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳
۱۱. صقری، محمد، *اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت*، بحثی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه دیدگاه های حقوقی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، سال شانزدهم، شماره ۵۳، ۱۳۹۰
۱۲. صقری، محمد، *حقوق بازرگانی، شرکت ها*، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰
۱۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *العروة الوثقی (المحشی)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹

۱۴. عدل، مصطفی، *حقوق مدنی*، قزوین، طه ۱۳۷۸
۱۵. عیسائی تفرشی، محمد، *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۹۵
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد، *العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل اللنکرانی*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۲
۱۷. کاتوزیان، امیر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول، چاپ ۱۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳
۱۸. کاتوزیان، امیر ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، درس هایی از عقود معین، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷
۱۹. کاتوزیان، امیر ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم، چاپ ۱۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳
۲۰. کاشانی، سید محمود، *حقوق مدنی، قرارداد های ویژه*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۴
۲۱. کاویانی، کورش، *حقوق شرکت های تجاری*، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۳
۲۲. مخصوصی رسول، آبین علیرضا، *بررسی تحلیلی فقهی و حقوقی شرط خلاف مسولیت نسبی در شرکتهای مدنی از منظر مذاهب خمس و حقوق ایران*، دو فصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن / سال هفتم / شماره ۱۳ / بهار و تابستان ۱۳۹۸ / صص ۷۳-۹۲
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، *العروة الوثقی مع تعلیقات*، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۴۲۸

(ب) انگلیسی

1. Lucas, *Promesse d'achat de droits sociaux à prix garanti et prohibition des clauses léonines* ; à la recherche de la cohérence perdue, JCPE 2000
2. B. Treille, *La convention de portage*, Revu. Sociétés 1997.
3. F. Pollaud-Duan, *L'actionnaire dans les opérations de portage*, Revu. Sociétés 1999.